

An Examination of the Role of the Doctrine of Goodness in Zoroastrian Theology

Zahra Gholami Badi¹

Ehsan Ghodratollahi²

(Received on: 2023-09-13; Accepted on: 2024-02-23)

Abstract

Goodness is one of the most prominent religious and ethical teachings in all divine religions, including Zoroastrianism. Although this doctrine holds a high place in various religious traditions, it has been addressed in different dimensions and levels. This study, using a descriptive-analytical approach and based on sacred texts—the Avesta and Pahlavi literature—aims first to explain the central and prominent role of this doctrine in Zoroastrian theology, and then to explore the special status of goodness and its various forms in Zoroastrian sacred literature. The findings indicate that, unlike other world religions, the doctrine of goodness in Zoroastrianism is not merely a faith-related or ethical recommendation but is deeply connected to a wide range of fundamental religious beliefs. It plays a central role in the theology of this faith. In Zoroastrianism, Ahura Mazda is the essence and source of goodness, and His will is to establish the rule of goodness in the world. The role of His agents—such as Ashu Zoroaster, the Amesha Spentas, the Yazatas, the Ashavans, and the Frashokirdkarans—in the creation of this ideal world is grounded in this doctrine and is explained accordingly.

Keywords: Zoroastrian theology, goodness, Amesha Spentas, Ashu Zoroaster, Frashokereti, Sushyant.

1. MA, Religions and Mysticism, Department of Religions and Philosophy, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: gholami.zahra286@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Religions and Philosophy, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran (corresponding author). Email: e_ghodratollahi@yahoo.com

بررسی نقش آموزه نیکی در الهیات زرتشتی

زهرا غلامی بادی^۱

احسان قدرت‌اللهی^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴]

چکیده

نیکی در زمره بارزترین آموزه‌های دینی - اخلاقی در همه ادیان الهی از جمله دیانت زرتشتی است. هرچند این آموزه در سنت‌های مختلف دینی منزلتی والا دارد، در ابعاد و سطوح متفاوتی به آن پرداخته شده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استناد به متون مقدس - اوستا و ادبیات پهلوی - نخست در پی تبیین نقش محوری و شاخص این آموزه در الهیات زرتشتی و سپس طرح جایگاه ممتاز نیکوکاری و گونه‌های آن در ادبیات مقدس زرتشتیان است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد آموزه نیکی در آیین زرتشتی به گونه‌ای متمایز از دیگر ادیان جهان، فراتر از یک توصیه ایمانی - اخلاقی، ارتباطی وثیق با طیف وسیعی از باورهای بنیادین دینی دارد و نقشی جوهری در الهیات این دین ایفا می‌کند. در آیین زرتشتی، اهورامزدا ذات و سرچشمه نیکی است که اراده‌اش بر تحقق شهریار نیکی در عالم تعلق گرفته است و در این راه نقش کارگزاران او یعنی آشو زرتشت، امشاسپندان، ایزدان، آشوان و فرشگردکرداران در برپایی این جهان آرمانی، بر مبنای این آموزه معنا پیدا می‌کند و تبیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: الهیات زرتشتی، نیکی، امشاسپندان، اشوزرتشت، فرشگرد، سوشیانت

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان، گروه ادیان و فلسفه، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه

کاشان، کاشان، ایران، gholami.zahra286@gmail.com

۲. استادیار گروه آموزشی ادیان و فلسفه، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده

مسئول) e_ghodratollahi@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. طرح مسئله

آموزه نیکی و نیکوکاری اگرچه تنها بخشی از حوزه اخلاقیات در دیگر ادیان را به خود اختصاص داده است و همچنان محدوده‌ای از رسالت پیامبران الهی را دربر گرفته است، در آیین زرتشتی قاعده بنیادینی را شکل می‌دهد که افزون بر اخلاق و احکام عملی، اضلاع و ابعاد گوناگون باور دینی بر آن استوار است، بلکه قوام و هویت الهیات این آیین به مثابه یک کل، به فهم صحیح این آموزه و شناخت مکانت بی بدیل آن وابسته است.

خاستگاه این جایگاه منحصر به فرد را باید در باورهای دین مزدایی نخستین و آیین مغان دانست که در آن ایزدان و دیوان هم پایه هم پرستش می‌شدند. زرتشت با اصلاح در باورهای کهن، آیینی توحیدی برپا کرد که در آن اهورامزدا خدای برتر و آفریدگار کل بود و دیوان جایگاه خدایی خود را از دست دادند و در زمره نیروهای شر قرار گرفتند. در این صف آرایی، اهورامزدا دستیاران خود در اردوگاه خیر - سپندمینو، امشاسپندان و ایزدان - را مدد می‌رساند تا در برابر اردوگاه شر - اهریمن، انگره مینو، کمالگان و دیوان - به پیروزی برسند. ردپای این ثنویت اخلاقی که بعدها در دوره ساسانی ساحتی جهان‌شناسانه پیدا کرد و از دنیای نیکی‌ها و روشنایی‌ها (قلمرو اورمزد) در برابر دنیای بدی‌ها و تاریکی‌ها (قلمرو اهریمن) سخن به میان آورد، در گاهان - نخستین سروده‌های اشو زرتشت - مشاهده می‌شود (کریستن سن، ۱۳۴۵ ه.ش، ص ۲۳ - ۶۳؛ بویس، ۱۳۷۴ ه.ش: ج ۱، ص ۱۲۶ - ۱۲۷ و ۲۷۰ - ۲۸۰). در اینجا است که آموزه بنیادین «نیکی» خود را آشکار می‌کند و نقش آفرین می‌گردد. اورمزد در جایگاه سرچشمه، کانون و خالق نیکی در صدد تقویت اردوگاه خویش برمی‌آید و در سه هزاره پایانی عمر عالم با مبعوث کردن زرتشت و ابلاغ رسالت او که تبلیغ و ترویج نیکی و تربیت نیکوکاران است و با برانگیختن منجیان آخرالزمان - هوشیدر، هوشیدروماه

و سوشیانس - که نقششان زمینه‌سازی ایجاد دنیایی عاری از هرگونه زشتی، بدی و دُروج است، نیکی و لشکریان آن (قلمرو اورمزد) رایاری می‌رساند تا بر بدی و سپاهیان آن (قلمرو اهریمن) چیره گردند و جهانی کامل و نو: فَرَشگَرْد (نک به: ادامه مقاله)، ایجاد نمایند (مزدآپور و دیگران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۷ - ۱۵۷).

در پژوهش حاضر نیکی در اطلاق و جامعیت خود مدنظر است که در سه ساحت اصلی پندار، گفتار و کردار تجلی می‌یابد و پس از آن به لحاظ مصداق شاخه‌ها و ابعاد فراوانی را به خود می‌گیرد (نک به: ادامه مقاله، بخش ۱ - ۳). این نوشتار می‌کوشد در گام نخست، به بررسی نقش ممتاز و منحصر به فرد «آموزه نیکی» در الهیات زرتشتی بپردازد؛ سپس تصویری جامع و مستند از مکانت نیکوکاری و گونه‌های آن در اوستا و متون پهلوی ارائه می‌دهد.

۲-۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با رویکرد کلامی به آموزه نیکی در دین زرتشتی، هیچ اثری در زبان فارسی نگارش نشده است. در مقالات چندی از جمله «وقف و نیکوکاری در ایران باستان» (امیدیانی، ۱۳۷۴)، «نذرونیاژ در دین زردشت و ایران باستان» (امیدیانی، ۱۳۸۶) و کتاب کوچکی با عنوان نیکوکاری و دادودهش در ایران باستان (برهان ابن یوسف، ۱۳۵۷) که در موضوع و محتوا به یکدگر شبیه هستند و در مجموع مطلب واحدی را تعلیم می‌دهند، به نیکوکاری فقط از دیدگاه یک فریضه دینی - اخلاقی نگاه شده است و از انواع نذرونیاژ، دهش‌ها و بخشش‌ها، همچنین وقف به مثابه یک دهش ماندگار سخن به میان آمده است. افزون بر این پراکندگی عناوین و طرح مفصل تاریخیچه این فریضه دینی در ایران باستان، مسیر پژوهش را به گونه‌ای رقم زده است که ضرورت پرداختن به کاری نو با رویکردی متفاوت و شاکله‌ای منسجم را طلب می‌کند.

۱-۳. اصطلاح‌شناسی موضوع پژوهش

پورداوود در فرهنگ ایران باستان از واژه «هُو» (اوستایی Hu) یا «وهو» (Vohu) در فرس هخامنشی سخن می‌گوید که به معنای خوب، نغز و نیک است (پورداوود، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۷۲؛ همچنین نک به: پورداوود، ۱۳۵۶ ه.ش، ص ۱۴۰ شرح بند ۲۲ هات ۳۱ گات‌ها؛ Bartholoma, 1904: 1817&1395). این واژه پیشوندی است که نقش وصفی دارد و پربسامدترین کلمه در اوستاست که در ترکیب با موصوف خود مصادیق نیکی را در قالب واژگان جدید خلق کرده است: «هُورِئَد»: خوش‌پیکر، «هُوگَرَت»: خوش‌ریخت، «هُوئَوَدی»: خوشبو و ... این پیشوند همچنین در ساختار سه اصطلاح کلیدی «هُومَت»، «هُوخت» و «هُورِشَت»: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، یسنا، ۵۵/۴۰) مشاهده می‌شود (اوشیدری، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۴۹۸؛ دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۴۷۲).

افزون بر این «راتا» و مشتقات آن نیز واژگان پرکاربردی هستند که گرچه در معنای مطلق نیکی به کار نرفته‌اند، به معنای پیشکش، دادودش و هدیه است (Bartholomae, 1904: 1519) که از بارزترین مصادیق نیکی در کردار (هُوورِشَت) محسوب می‌شود.

در گات‌ها سروده‌آهونودگاه، زرتشت بیان می‌دارد که تن و جان و گزیده منش نیک خویش را همچون نیازی با رادمنشی تقدیم آستان اهورامزدا کرده است (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ۳۳/۱۴). همچنین در سروده‌آشتودگاه این واژه به کار رفته است و در آن زرتشت امیدوار است که خود را با رادی و ستایش بشناساند و در بارگاه آزمایش ایزدی، با رادمنشی امتیاز یابد (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ۴۳/۹).

پورداوود در یادداشت‌های گات‌ها (بخش دوم) درباره «راتا» چنین آورده است: «راتا در اوستا، به معنی دهش و بخشش بسیار آمده و در پهلوی، «راتیه» و در فارسی «رادی» گوئیم» (پورداوود، ۱۳۷۷ ه.ش، ص ۲۰). وی معتقد است «راتی» در اوستا، از مصدر «را» به

معنای بخشیدن و دادن است و «اراتی» با حرف نفی «ا»، به معنای نارادی یا ناجوانمردی و لثامت به کار رفته است (پورداوود، ۱۳۸۰هـ.ش، ص ۹۵؛ اوشیدری، ۱۳۷۱هـ.ش، ص ۲۹۰). «واژه‌های "رات" و "راتیه" در پهلوی و "راد" و "رادی" در فارسی، بازمانده این واژه اوستایی و اصل آن به معنای فدیة و نیاز و دهش و بخشش است» (دوستخواه، ۱۳۸۹هـ.ش، پیوست، ۹۸۹).

«نیکی» در نوشته پیش رو بر اساس استناد به این دو واژه پرسامد و مشتقات آنها در متون دینی زرتشتی بررسی و تحلیل شده است.

۲. نقش نیکی در الهیات دین زرتشتی

آموزه نیکی در جایگاه آموزه‌ای محوری و شاخص، چنان جایگاه ممتازی در دین زرتشتی دارد که برداشت دقیق و عمیق از ماهیت استوانه‌های اعتقادی این دین، به درک صحیح آن وابسته است؛ تا آنجا که این آموزه فراتر از یک فریضه دینی - اخلاقی، به مثابه اصل هویت بخش الهیات زرتشتی ایفای نقش می‌کند. در ادامه به اختصار با استناد به ادبیات مقدس زرتشتی، قوام باورهای بنیادین - خداشناسی، پیامبرشناسی، ایزدشناسی، فرجام‌شناسی و رستاخیز - در این آیین را بر اساس اصل «نیکی» به تصویر می‌کشیم.

۱-۲. خداشناسی: اهورامزدا، ذات و سرچشمه نیکی

اهورامزدا (Ahura Mazda) در پهلوی (Ohrmazd) از دو بخش «اهورا» به معنای سرور و «مزدا» در معنای خرد و دانایی تشکیل شده است؛ بنابراین «اهورامزدا» به معنای سرور داناست (Boyce, 2011: 684؛ مزداپور و همکاران، ۱۳۹۴هـ.ش، ص ۹۹). در گاتاها از آفریدگار گاهی با «مزدا» و گاهی با «اهورا» یاد می‌شود و هر جا که این دو واژه با هم آمده است، مزدا بر اهورا مقدم است (اوشیدری، ۱۳۷۱هـ.ش، ص ۱۹؛ نک به: دوستخواه، ۱۳۸۹هـ.ش، گات‌ها:

۲۸/۱، ۲۸/۸، ۲۹/۱۰، ۳۰/۹، ۳۱/۸، ۳۱/۱۱، ۳۱/۱۳، ۳۱/۳۱ و ...). اهورامزدا صدویک نام دارد که از بین آنها، «گیرا» به معنای دستگیر، «اَوَه خَشیا» به معنای بخشاینده، «هَرَنیک فره» به معنای دارنده فره نیکی و «اَوخشیدار» به معنای بخشنده، بر خصلت بخشاینده و دستگیری او تأکید می‌کنند (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، گات‌ها: ص ۱۰۸ - ۱۱۲).

این مطلب در فروزه‌های هَرَمزْدِیشت که به توصیف نام‌های اهورامزدا می‌پردازد نیز به خوبی نمایان است: «... پشت و پناه نام من است. دادار نام من است ... جویای شهریارِ نیکی نام من است. بیشتر جویای شهریارِ نیکی نام من است. شهریار دادگر نام من است. دادگرتین شهریار نام من است» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هَرَمزْدِیشت، ۲۷۴/۱۳ - ۲۷۵). در این فراز، اهورامزدا شخصیتی معرفی می‌شود که جویندگی و تلاش برای تحقق بخشی پادشاهی و شهریارِ نیکی بر عالم، از جمله نام‌های اوست.

«... بخشنده همه دهش‌ها نام من است. بخشنده بسیار خوشی‌ها نام من است. بخشایشگر نام من است» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هَرَمزْدِیشت، ص ۱۴).

«ای مزدا، همه نیکی‌های زندگی را که از آن تست - آنها را که بود و هست و خواهد بود - به مهربانی خویش به ما ارزانی دار» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هَرَمزْدِیشت، ۳۳/۱۰).

«... اهورامزدا ی نیک - آن خداوند نیکی، آن آشون رایومند فره‌مند - راسزاوار نیکی‌های من دانم؛ چه از اوست هر آنچه نیکوست؛ از اوست ...» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هَرَمزْدِیشت، ۱/۱۲). «... آن بَغ، آن رَد را می‌ستاییم؛ آن اهوره‌مزدا، دادار پناه بخش و پدیدآورنده همه نیکی‌ها را ...» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هَرَمزْدِیشت، ۷۰/۱).

افزون بر اینها، ستایش اهورامزدا با عناوینی چون «پدر منش نیک» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هَرَمزْدِیشت، گات‌ها: ۳۱/۸)، «آفریدگار منش نیک» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هَرَمزْدِیشت، ۴۵/۴)، «نیک‌خواه آفریدگان» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، یسنا، ۶۱/۵)، «نیک‌کنش» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، آبان‌یشت، ۲۱/۸۵؛ دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، مهریشت، ۲۳/۹۲ و

«سرچشمه نیکی‌ها» (جاماسپ جی، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۸۸؛ میرفخرایی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۲۱۴ - ۲۴۹)، در اوستا و متون پهلوی نشان می‌دهد که نیکی، نیک‌خواهی و نیک‌مداری را می‌توان در زمره سرآمد نام‌ها و صفات اهورامزدا و هم‌سنگ و هم‌پایه آن شمرد.

۲-۲. پیامبرشناسی: زرتشت، پیام‌آور نیکی

در هات ۲۹ گاهان، انتخاب زرتشت برای پیامبری، در گفتگویی آسمانی رقم می‌خورد. در این دیدار و «پرسمان» الهی، حاضرانی شرکت دارند: گئوش اورون، گئوش تثن، اشنه، اهورامزدا، وهومنه و زرتشت (مزداپور و همکاران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۰۱). مجلسیان در پی یافتن فردی هستند که بتواند پیام الهی را به مردمان برساند و با خشم و ظلم و دروغ مبارزه کند. وهومنه در پاسخ به اهورامزدا زرتشت اسپیتمان را تنها فرد شایسته برای انجام چنین رسالتی معرفی می‌کند و گوشورون او را برترین آفریدگان می‌شناسد (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ۱-۲۹/۹). در دو بند آخر این هات نیز زرتشت خود سخن می‌گوید و از اهورامزدا برای گسترش پیام الهی توان مادی و معنوی طلب می‌کند (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ۱۰-۹/۱۱-۱۱-۲۹، ۴۳/۱۱؛ همچنین نک به: بویس، ۱۳۷۶ ه.ش، ج ۱، ص ۳۲۱ - ۳۲۵).

بلافاصله پس از انتخاب زرتشت به پیامبری و پذیرش ابلاغ پیام الهی از سوی اوست که در هات ۳۰ برای نخستین بار با آموزه بنیادین «تضاد دو مینوی پاک و ناپاک» و پس از آن سه اصل اخلاقی «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» روبرو هستیم. از آنجاکه اوستاپژوهان گاهان را سروده‌های خود زرتشت می‌دانند، می‌توان این دو آموزه پرتکرار و تأکید در گاهان و دیگر بخش‌های اوستا را که در سراسر حیات فردی و اجتماعی این جهانی کارکرد دارد و حتی بر مبنای آن فرجام کار عالم و کیفیت حیات اخروی انسان رقم می‌خورد، سرلوحه تعالیم او شمرد (نک: ادامه این بخش).

افزون بر اینها سراسر بندهای هات ۴۴ یسنا با این عبارت آغاز شده است: «ای اهورا این را از تو می‌پرسم...» و در قالب این پرسش‌ها زرتشت از محتوای رسالت خود سخن می‌گوید و دغدغه‌اش برای ایفای آن را بیان می‌کند (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، یسنا، ۱-۴۴/۲۰). در ادامه در هات ۴۵ نیز با فرازهای متعددی روبرو هستیم که در صدر آنها عبارت «اینک سخن می‌گویم از...» آمده است و زرتشت در این قالب از آموزه‌های خویش سخن می‌گوید (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، یسنا، ۱-۴۵/۱۱).

در ادامه مختصری از این دو آموزه سخن خواهیم گفت.

الف) «سپنت مئینیو» (Spenta Mainyu) به معنای مینوی مقدس و پاک و «آنگره مئینیو» (Angra Mainyu) به معنای مینوی نامقدس و ناپاک (Kreyenbroek, 2012: 113-116؛ پورداوود، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۷۰)، دو مینوی متضاد و هم‌زمان در هستی هستند که فراروی آدمیان قرار می‌گیرند تا با اختیار و آزادانه یکی را برگزینند. «در آغاز، آن دو "مینو"ی هم‌زاد و در اندیشه و گفتار و کردار [یکی] نیک و [دیگری] بد، با یکدیگر سخن گفتند. از آن دو نیک آگاهان راست را برگزیدند، نه ظن آگاهان» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، گاهان: ۳۰/۳).

«ای هوشمندان، بشنوید با گوش‌ها [ی خویش بهترین] سخنان را و ببینید با منش روشن و هریک از شما - چه مرد و چه زن - پیش از آنکه رویداد بزرگ به کام ما پایان گیرد، از میان دوراه [یکی را] برای خویشتن برگزینید و این [پیام را] به دیگران بیاموزید» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، گاهان: ۱۱-۹-۳۰/۲).

در این آموزه «تمایز و فرق میان نیکی و بدی به صورت بارزی آمده است که تکلیف را تعیین می‌دارد: آدمی مکلف است که بیندیشد و با وساطت و میانجی‌گری خرد، نیکی را برگزیند و آن را در منش و گفتار و کردار به کار گیرد» (مزدآپور و دیگران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۰۳).

بدین‌سان پیام جهانی زرتشت در طول تاریخ به همه انسان‌ها آن است که در تقابل هم‌زمان این دو مینوی متضاد که همواره آدمیان را به سوی خود دعوت می‌کند، فریب دروج را نخورد و وسوسه زشت‌کاری و بدی در ایشان کارگر نیفتد، بلکه ثابت قدم در شمار نیک‌آگاهان و آشونان باشند. در اوستا می‌خوانیم: «از آن دو "مینو"، هواخواه "دروج" به بدترین رفتار گروید و "سپندترین مینو" - آسمان جاودانه را پوشانده است - و آنان که به آزادکامی و درستکاری، "مزدا اهوره" را خوشنود می‌کنند، "اشه" را برگزیدند» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ۳۰/۵).

ب) آموزه مهم دیگری که در گاهان و متون پهلوی با آن روبرو هستیم، سه بنیان اساسی پندار نیک (هُومَتَ Humata)، گفتار نیک (هُوختَ Hukhta) و کردار نیک (هُورشتَ Huvarast) است. اهمیت این آموزه تا بدان پایه است که در پیشگاه اورمزد، در جهان مادی چیزی برتر و بالاتر از آنها قرار ندارد.

«از اورمزد پرسید که در جهان مادی نخستین برترها کدام است؟ دوم کدام و سوم کدام است؟ ۲. اورمزد پاسخ داد که "نخستین برتری، اندیشه نیک، دوم، گفتار نیک، سوم، کردار نیک"» (راشد محصل، ۱۳۹۰ ه.ش، ج ۶۸، ص ۲۲).

این سه واژه اوستایی، در زبان پهلوی ساسانی به صورت هومَنَش، هوگوش و هوگنَش به کار برده شده‌اند و در مقابل آنها دُرمَت و دُروخت و دُورشت، به معنای اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد قرار دارند (Boyce, ۲۰۰۴: ۵۶۱-۵۶۲؛ مزداپور و همکاران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۶۸). بر هر فرد باایمان زرتشتی لازم است به پذیرش نیکی و ترک بدی اقرار کند و موضع خود را در این باره به روشنی اظهار بدارد.

«... از آنچه در [پهنه] اندیشه و گفتن و کردن است، من اندیشه نیک و گفتار نیک و کردار نیک را می‌پذیرم. من همه اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد را فرومی‌گذارم» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، یسنا، ۱۱/۱۷).

تأکید متواتر فرازهای گاهان (۳۰/۲، ۳۰/۳، ۳۰/۴، ۳۲/۲ و ...) بر این دو آموزه بنیادین، به گونه‌ای است که می‌توان رسالت اصلی این پیام‌آور باستانی را تربیت انسان‌های نیک‌منش و درست‌کردار و پایه‌گذاری جامعه‌ای دانست که در آن صالحان و نیکان زمامدار امور باشند؛ به همین دلیل نیز زرتشت تمام توش و توان خود را در مبارزه علیه نیروهای اهریمنی - کوی‌ها، گرپن‌ها، ... به کار گرفت که مانع تحقق چنین هدف بزرگی بودند (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، گات‌ها، ۳۳/۴، ۴۶/۴، ۳۳/۵، ۳۳/۶، ۵۱/۱۳).

۳-۲. ایزدشناسی: راتا، فرشته نگهبان دادودهش

در هرم یزدانکده زرتشتی، ایزدان (اوستایی Yazata)، به معنای شایستگان ستایش، مخلوقاتی اهورایی‌اند که در سراسر آفرینش حضوری شفاف و فراگیر دارند و کارکردهای مختلفی همچون پاسداری از عناصر طبیعت، صیانت از ارزش‌های اخلاقی و داوری رفتار آدمیان و ... بر دوش آنها گذاشته شده است. ایزدان با ابزارهای دامن‌گستر آیینی، اصول اخلاقی و عرفانی را در ذهن باورمندان راسخ می‌سازند و رضامندی و شادی می‌آفرینند (مزداپور و همکاران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۱۰۷ - ۱۱۰).

بنا بر آنچه در ریشه‌شناسی دو مصدر «را» و «دا»، به معنای دادودهش و بخشش گذشت، اهمیت این اصل اخلاقی و وظیفه دینی تا بدان جاست که در اوستا «راتا» با خویشکاری دهش و بخشش، در هیئت ایزدی جلوه‌گر می‌شود و در کنار رشن (راستی)، وره‌رام (پیروزی) و آخشتی (صلح و آشتی) و دئنا (وجدان یا دین)، در زمره ایزدان مینوی ستوده شده است (مهر، ۱۳۷۴، ص ۲۴؛ پوردادود، ۱۳۸۰ ه.ش، ص ۲۶).

«سپندارمذ نیکی را. راتای نیکی فراخ دیدگاهِ مَزدا آفریده اشون را. خرداد رد را...» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، هفتن یشت کوچک/ ۳ و ۸). «سپندارمذ نیکی رامی ستاییم. راتا» نیکی فراخ دیدگاهِ مَزدا آفریده اشون رامی ستاییم» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، سی‌روژه بزرگ/ ۵).

«آشَوَنی باید تا ترکهُ «بَرَسَم» را به درازای گاوآهن و به ستبری دانه جواز آن درخت ببرد؛ آن را به دست چپ خویش برگیرد و هنگام نیایش اهوره مزدا و امشاسپندان و هوم زَرین برازنده زیبا و بهمن و «راتا» ی نیکِ آشون مزدا آفریده والا، چشم از آن برنگیرد» (دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ.ش، ص ۱۹).

در این فرازها، «راتا» در ردیف دیگر ایزدان یاد می‌شود و وظیفه او پاسبانی از رادی و دهش و جوانمردی است. هرکه مستمندی را دستگیر باشد و بینوایی را با دهش و بخشش خویش بنوازد، «راتا» از او خشنود می‌گردد، میان او و خداوند میانجی می‌شود و گشایش کار او را از پیشگاه اهورامزدا درخواست می‌کند. به دستیاری همین ایزد است که اهورامزدا به نیکوکاران پاداش می‌دهد (پورداوود، ۱۳۸۰ هـ.ش، ص ۹۶). در مقابل، «اراتی» یا «نارادی» دیوی است که باید از آسیب او برکنار ماند و پیرامون او نگشت (پورداوود، ۱۳۸۰ هـ.ش، ص ۹۶ - ۹۷؛ همچنین نک به: اوشیدری، ۱۳۷۱ هـ.ش، ص ۲۹۰؛ دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ.ش، پیوست ۹۸).

۲-۴. فرجام‌شناسی: سوشیانس و فرَشِگَرِد

در فرجام‌شناسی دین زرتشتی، اساساً پایان کار عالم با غلبه اهورامزدا و لشکریان او (قلمرو نیکی و خیر) - اهورامزدا، سپندمینو، امشاسپندان، ایزدان، سوشیانت‌ها و فرَشکر دکرداران - بر اهریمن و سپاه او (قلمرو بدی و شر) رقم می‌خورد. در این عصر که عصر جدایی حق از باطل (Wizarisn) است، نیکی و راستی بر بدی و دروغ پیروز می‌شوند فساد و تباهی از عالم برافتاده و «شهرستان نیکویی» (راشد محصل، ۱۳۸۱ هـ.ش، یادداشت شماره ۷۷، ۱۴) بنا خواهد شد. عبارت «جهان فرِشه» (اوستایی Ferasem ahum) به معنای «جهان نو و تازه»، اشاره به همان جهان مطلوب و آرمانی دارد (دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ.ش، گاهان، ۳۰/۹)؛ این اصطلاح در متون پهلوی به صورت واژه «فرَشِگَرِد» در معنای نوسازی جهان قبل از برپایی رستاخیز نیز به کار رفته است (مزداپور و دیگران، ۱۳۹۴ هـ.ش، ص ۱۸۴؛ Hintze، ۲۰۱۲: ۱۹۰-۱۹۲).

در یسنا بندهای ۳۰/۹، ۳۴/۱۵، ۴۶/۱۹، ۵۰/۱۱ و ... به خلقت کامل اهورامزدا در ابتدای آفرینش اشاره دارد و اینکه او از آفرینش خود مراقبت می‌کند تا دوباره کمال نخستینش را بازیابد. بازیابی این کمال آرمانی به مدد سُوشیانت‌ها (اوستایی Saosyant) (دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ. ش، یسنا، ۳/۴)، منجیان آخرالزمان دین زرتشتی و فرشگردکرداران، مصادف با سه هزاره پایانی عمر عالم در سنت زرتشتی، محقق خواهد شد (Hintze ۲۰۱۲: ۱۹۰؛ نک به: دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ. ش، یسنا ۴۳/۱۳، ۴۶/۳، ۴۸/۱۲؛ راشد محصل، ۱۳۸۱ هـ. ش، ص ۵ - ۶). در بندهای ۸۸ تا ۹۶ زامیادیشْت آمده است: پس از ظهور سوشیانت، گیتی پر از عدل و حکمت گردد، سعادت روی آورد، اندیشه و گفتار و کردار نیک ظفر یابد، جهان از دروغ پاک شود، خشم نابود گردد، راستی به دروغ چیره آید، منش ناپاک از منش پاک شکست یبند، امشاسپندان خرداد و امرداد دیوهای گرسنگی و تشنگی را براندازد، اهریمن بگریزد (دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ. ش، زامیادیشْت، ص ۵۰۱ - ۵۰۳).

۵-۲. رستاخیز: داوری اعمال، بهشت و دوزخ

پس از سپری شدن عمر این عالم، در پایان این دوران دوازده هزار ساله، مردگان زنده می‌شوند و تن پسین در پیشگاه اهورامزدا، سپندمینو و ایزدان برای داوری اعمال فراخوانده می‌شود. پس از آن روان درگذشتگان از «پل چینود» (اوستایی cinvant peretu) گذر می‌کند تا پرهیزکاران از دروغ‌کاران جدا شوند (دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ. ش، یسنا، ۱۱-۴۶/۱۰ و ۵۱/۱۳). در اینجا تنها میزان برای سنجش اعمال انسان‌ها و جداسازی بهشتیان از دوزخیان، «نیکی» است. نیکی و بدی بر اساس اصول اخلاقی دین زرتشتی، در سه ساحت گفتار، کردار و پندار تجلی پیدا می‌کند (برای اطلاع بیشتر از رستاخیز و داوری اعمال در دین زرتشتی، نک به: کای بارو همکاران، ۱۳۸۶ هـ. ش، ص ۱۱۲ - ۱۱۳؛ بویس، ۱۳۷۵ هـ. ش، ص ۱۶۸؛ موله، ۱۳۸۶ هـ. ش، ص ۱۰۸ - ۱۰۹).

یکی از متونی که شرح سرگذشت روان آشونان و دژوندان را پس از مرگ به زیبایی تمام روایت کرده است، هادخت نسک است. در این متن، بهشت و دوزخ دارای چهار طبقه توصیف شده است. درجه برخورداری از نعمات و پاداش‌های الهی در بهشت یا گرفتارشدن به نقمات و عذاب الهی در دوزخ، متناسب با میزان التزام و همگرایی یا عدم التزام و واگرایی انسان به مراتب نیکی، هومت، هُوخت، هُورشت - در دنیا، تعیین شده است. در بند ۱۵ این اثر می‌خوانیم: «آن‌گاه روان آشون مرد، نخستین گام را بردارد و به [پایگاه] اندیشه نیک درآید. پس دومین گام را بردارد و به [پایگاه] گفتار نیک درآید. سپس سومین گام را بردارد و به [پایگاه] کردار نیک درآید و سرانجام، چهارمین گام را بردارد و به «آنیران» [سرای] فروغ بی پایان درآید.... پس او را خورشی از روغن «زرمیه» آورند. چنین خورشی است جوانمرد نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار و نیک دین را پس از مرگ» (دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ.ش، هادخت نسک، ص ۵۱۳-۵۱۲؛ همچنین نک به: دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ.ش، یسنا ۳۲/۱۳، ۳۴/۱۳، ۴۳/۵؛ ۳۳/۵).

«نخستین گام به اندیشه نیک، دومین گام به گفتار نیک و سومین گام به کردار نیک، به پل چینود فراز آمدن که اورمزد توانا، بسیار پشتیبانی داد» (آموزگار، ۱۳۸۶ هـ.ش، ارداویراف نامه، فرگرد ۲۷/۴).

در سویی دیگر «روان مرد دژوند در نخستین گام به پایگاه اندیشه بد درآید. پس در دومین گام به پایگاه گفتار بد درآید. سپس در سومین گام به پایگاه کردار بد درآید و سرانجام در چهارمین گام به سرای تیرگی بی پایان (دوزخ) رسد.... پس او را خورشی زهرآگین آورند؛ چه بدانندیش، بدگفتار، بدکردار، بددین را جز آن خورش نشاید» (دوستخواه، ۱۳۸۹ هـ.ش، هادخت نسک، ص ۵۱۵).

در ارداویراف نامه مندرج است که طبقات بهشت به ترتیب در کره ستارگان، در فلک ماه و در فضای بلندترین روشنایی: خورشید، واقع است. آدمی با گذشتن از این سه مرحله نیکی به کمال درجه انسانیت می‌رسد و پس از آن در گرزمان، بارگاه جلال اهورامزدا در مقام

خدایان اقامت خواهد کرد؛ «... پرهیزکاران بر بالای آن به بهشت روند؛ به وسیله نیکی اندیشی تا به ستاره پایه، به وسیله نیکی گفتاری تا به ماه پایه، به وسیله نیکی کرداری تا به خورشید پایه» (آموزگار، ۱۳۸۶ ه.ش، ارداویراف نامه، ۱۳۸۲ ه.ش، فرگرد ۷، ۸ و ۹، ۲-۳۱؛ همچنین نک به: راشد محصل، ۱۳۹۰ ه.ش، فصل ۳۵، ص ۱۰۶).

«روان های نیکوکاران، به شادکامی، به نزدیک اورنگ زرین اهوره مزدا به نزدیک تخت های زرین امشاسپندان به ”گرمزان“ به اهوره مزدا به سرای امشاسپندان به سرای هم دیگر مینویان آشون می رسند» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، وندیداد ۳۲/۱۹، ۸۷۱-۸۷۰؛ همچنین نک به: دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، گات ها ۴۷/۱، ۶۵ و ۵۱/۱، ۷۷؛ یسنا ۱۳۵۶: ۱/۱۸ و ۷/۶۳؛ میرفخرایی، ۱۳۶۷ ه.ش، ج ۱۰، ص ۱۲-۱۴؛ میرفخرایی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۸۲؛ منتظری، ۱۴۰۲ ه.ش، ص ۱۶۵).

۳. جایگاه نیکوکاری در ادبیات مقدس زرتشتیان

افزون بر نقش ممتاز آموزه نیکی در ساختار الهیات زرتشتی، از بعد اخلاقی و به مثابه یک فریضه دینی نیز نیکوکاری و رادی جایگاهی ممتاز در اوستا و متون پهلوی دارد و بدان سفارش بسیاری شده است. همین امر اهتمام زرتشتیان به این سنت نیک را دربر داشته است و فصل جدیدی از حیات اجتماعی - معیشتی این اقلیت دینی به ویژه در دوران اخیر را رقم زده است. به طور کلی نیکوکاری در آیین زرتشتی را می توان به دو دسته معنوی و مادی تقسیم کرد.

۳-۱. نیکوکاری معنوی

گونه مهمی از نیکی و دستگیری از نیازمندانی است که از حیث دانش، بینش و آشنه پاک، تهی دست و نیازمند هدایت دینی و فکری هستند. زرتشت فردی را که در گسترش دانش و راستی می کوشد، فرزانه ای نیکوکار می نامد (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، گات ها ۳۱/۶). در

نیکوکاری معنوی، نیازی نیست که شخص نیکوکار از سرمایه‌ی مادی برخوردار باشد، بلکه می‌تواند با نشر دانش و هدایت دیگران و احترام به کائنات و طبیعت، به نیکی روی آورد. «آنچه را که هر مرد یا زنی دانست که درست و نیک است، بر اوست که خود به کار بندد و دیگران را نیز بیاگاهاند تا آن را - آن چنان که هست - به کار بندند» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، گات‌ها، ۷-۳۵/۶).

«چهارم، برای دزدیدن شهرت از پرهیزکاران، آنچه از آموزگار خویش آموخت، به رادی به ارزان‌یان باز سپرد» (راشد محصل، ۱۳۹۰ ه.ش، ۹/۲۷، ۷۴). در اوستا، مقاومت در برابر دُرَوَندان و رهنمونی پیروان او به راه نیک و هدایت گمراهان، مکرر توصیه شده است: «هر کس که با اندیشه و گفتار یا با هر دو دست خویش، با دُرَوَند بستیزد و یا پیروان او را به راه نیک رهنمون شود، به دوست‌کامی، خواست "مزداهوره" را برمی‌آورد» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ۳۳/۲ و ۳۲/۱۶).

نیکی معنوی با هدف ارتقای رشد فکری و علمی و بسط دانش و بینش و معرفت دینی آحاد مردم، در صدد پی‌افکندن جامعه‌ای است که جهل و بیداری، کوتاه‌فکری و فقر فرهنگی و انحراف دینی و اخلاقی از آن رخت بر بسته باشد (نک به: منتظری، ۱۴۰۲ ه.ش، ص ۵۱/۵۱: ۳۷؛ جاماسپ‌جی، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۹۲؛ همچنین نک به: میرفخرایی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۷۱ - ۱۷۲؛ دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ۲۹/۱۱: ۱۳-۱۲).

۳-۲. نیکوکاری مادی

دومین نوع نیکوکاری، دادودهش و پیشکش‌های مادی است. این نوع از نیکی به دو بخش پایدار و ناپایدار - مانا و نامانا - تقسیم می‌شود.

منظور از نیکوکاری مانا، دادودهشی است که ماندگار باشد؛ چه در زمان حیات فرد دهشمند و چه پس از مرگش که همچون صدقه جاریه دیگران را بهره‌مند می‌کند. اختصاص

ساختمان، زمین یا مالی برای احداث مدرسه، درمانگاه، کتابخانه، آب‌انبار و مواردی از این قبیل مصادیق نیکی پایدار است. این قسم نیکی می‌تواند شکل وقف یا «بند مال» نیز به خود بگیرد. اما نیکی نامانا بخششی است که اثر آن بلندمدت نیست و به طور موقتی نیازی را برآورده می‌کند و حاجت‌مندی را حاجت‌روا می‌سازد؛ کمک به ارزانیان، اطعام فقرا، پرداخت هزینه جشن‌های دینی و خیرات برای درگذشتگان از این جمله‌اند.

۳-۲-۱. نیکوکاری مادی مانا

بارزترین مصداق نیکوکاری پایدار، وقف است که به صورت وقف مؤسسات آموزشی، بهداشتی - درمانی، رقبات و ... در دین زرتشتی رایج است و درآمد حاصل از برخی موقوفات نیز برای امور خیر، از جمله موارد برشمرده در نیکی مادی ناپایدار هزینه می‌شود. در متون پهلوی همچون کتاب شایست‌ناشایست و ماتیکان هزارداتستان، واژه «نهاد» یا «نهادگ» (Nihādag) به معنای موقوفه یا آنچه برای مصرف کاری خاص معین می‌کنند، به کار رفته است (شریفی، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۲۰۰).

«مرد که (مال) وقف نهاده باشد پس در صورت توانایی کامل او در پیت تا تن پسین، همانا آن کرفه دوام یابد و (بر آن افزوه شود)» (مزداپور، ۱۳۹۰ ه.ش، فصل ۹، ص ۱۱۲)

«یکی اینکه در [روزهای] فروردیان خشنومن درون بنهاد [وقف و معین] و [نیز] گاهنبار و نوبار و سدوش و درون هوم و دیگر [نیایش‌های] اردافزورد را باید برگزار کنند و اگر [این ستایش‌ها را] نکنند، در هیچ چاشته‌ای جایز نیست» (مزداپور، ۱۳۹۰ ه.ش، فصل ۱۰، ص ۱۲۱).

مزداپور در یادداشت‌های کتاب شایست‌ناشایست «خشنومن درون نهاده» را این‌گونه توضیح می‌دهد: «خشنومن درون نهاده، یعنی مراسم نیایش و درون خاصی که با نام ایزدی وقف و مقرر شده باشد و به یادبود و نامگانه کسی برگزار شود که در سنت جدید وجود ندارد» (مزداپور، ۱۳۹۰ ه.ش، یادداشت ۱، ص ۱۳۵).

افزون بر کلمه نهاده، واژگان «بهاژداشت» و «بند مال» نیز در آیین زرتشتی هم‌تراز کلمه وقف آمده است (نک به: خسرویانی، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۵؛ جنیدی، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۱۸۰).
وقف در آیین زرتشتی، تابع قوانین خاصی است که در فصل هجدهم قانون مدنی دوره ساسانیان، در مجموعه‌ای با عنوان ماتیکان هزار تاتستان (داتستان) یا مادیان هزار دادستان گردآوری شده است (شهرزادی، ۱۳۶۵ ه.ش، ص ۶۰ - ۷۱؛ مزداپور و همکاران، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۲۳۲).

۳-۲-۲. نیکوکاری مادی نامانا

در آیین زرتشتی نیکی مادی نامانا را به حسب نیت فرد نیکوکار و نوع مصرفی که برای آن در نظر دارد، می‌توان دست‌کم به چهار گونه اصلی تقسیم کرد: نذرونیاز؛ کمک به ارزانیان؛ آشوداد؛ خیرات برای درگذشتگان.

۳-۲-۲-۱. نذرونیاز

در شایسته‌ناشیست (۱۰/۱۲)، معادل نذرونیاز، واژه اُستوفرید (Ustōfrīd) آمده است (مزداپور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۶۸). دابار در معنای این واژه می‌نویسد: «بعضی گیتی خرید و بعضی یزشن پذیرفته نوشته‌اند» (بهرامان، ۱۳۹۱ ه.ش، یادداشت ۱۸۲/۱۸، ۱-۱۸۱). در نیاز، نیکوکار بر حسب توان مالی خود به صورت نقدی یا تدارک فرآورده‌های خوراکی و پوشاکی، دهش خود را در اختیار سازمان‌ها و انجمن‌های خیریه قرار می‌دهد تا موبد یا سامان‌گر آگاه به خواسته جامعه آن را در اختیار نیازمندان قرار دهد (ابن یوسف، ۱۳۵۷ ه.ش، ص ۳۵). حتی برخی برای برآورده شدن حاجت خود لوازم مورد نیاز پرستشگاه‌ها و دیگر مکان‌های زرتشتی را به پیشگاه اهورامزدا نیاز می‌کنند. در این نوع دهش، کالاها یا محصولات را نیاز می‌کنند که جابجاشدنی است (ابن یوسف، ۱۳۵۷ ه.ش، ص ۳۷).

«از شایسته ناشایست (۸-۹/۱۲)، برمی آید که هنگام نذرکردن و خواستن حاجت و به اصطلاح پهلوی آیت (Ayaft) به ایزدان متوسل می شده اند و هنگام رسیدن به مراد، موبدان در برگزاري آداب آن نقش داشته اند. به مجموع اینها، اُستوفرید ایزدان (Ustōfrīd i Yazadān) می گفتند و به ویژه برای ایزد ماه نذر می کردند. در روایت پهلوی (فصل ۲۰، بند ۳)، از هزینه نان و گل و می و شاهدانه در استوفرید، سخن رفته است» (مزدایور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۵۹). افزون بر واژه «آیت»، در متون پهلوی با کلمه دَرون (Dron) مواجه ایم. سعید عریان در یادداشت های خود بر مادیان هزاردادستان درباره این اصطلاح می نویسد: «در متن پهلوی، Drōn به معنای نصیب، بهره و دارایی و در اصطلاح عبارت است از بهره ای که در آیین های دینی به ایزدان اختصاص می یابد و گاهی نیز مترادف با واژه «قربانی» به کار می رود (یسنا ۴/۱۱) ... و این در حالی است که برابر آن در متن پهلوی یسنا، به صورت سور (Sūr)، به معنای میهمانی، ضیافت و غذا دیده می شود. همان گونه که از شواهد فوق برمی آید واژه دَرون، در معنای قربانی و سوری که از گوشت باشد، به کار رفته است. در متون و ادبیات پهلوی، دَرون عبارت است از نان نازک سفید گرد و بدون خمیرمایه ای که جهت نذر برای ایزد سروش، فراهم می شود مراسم ویژه دَرون از هات سوم یسنا تا هات هشتم آن ادامه پیدا می کند. این مراسم به دَرون یَشْتَن (Drōn Yaštan) نامبرده شده است» (بهرامان، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۱۸۲؛ همچنین نک به: منتظری، ۱۴۰۲ ه. باب های ۹۵، ۵۳، ۵۲، ۳۸، ۱۶۳-۱۶۲).

۳-۲-۲. کمک به ارزانیان

صد در نثر و صد در بندهش، یکی از چهار اصل آیین زرتشت را نیکی به ارزانیان برشمرده است: «چند چیز است که می باید که به دینان بر خویشتن مستولی کنند؛ یکی سخاوت کردن به ارزانیان ... این چهار خصلت، اصل دین زرتشت است ...» (منتظری، ۱۴۰۲ ه. صد در نثر ۴۷/۶۵).

در دین زرتشتی، کمک به نیازمندان انواع مختلفی دارد که دستگیری از مستحقان بهدین، بازداشتن سرما و گرما و گرسنگی و تشنگی از در راه ماندگان، بخشش مازاد محصول به درویشان و پذیرایی از مسافران از این جمله‌اند.

«... دربارهٔ بخشش ۲. انواع بسیار است به‌ویژه اینها (هستند)؛ ۳. در هنگام فراخی به مستحقان، برای روان خویش، بخشش‌های بزرگ کردن به اهل دین بیشتر و نیز به هر بهدینی؛ ۴. از آنهایی که در راه غیرمجاز هستند، گرسنگی و تشنگی و سرما و گرما را بازداشتن؛ ۵. از برداشت محصول تا محصول و از رسیدن (میوه) سالیانه، به جز آنچه برای معاش خود بخشش‌کننده لازم است، باید از مازاد آن و اضافه آن به اندازهٔ او (وعده) غذا در سال به درویشان بدهند، همچون حق مسلم آنها...» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶ ه.ش، فصل ۱۷، ص ۵۸ - ۶۰؛ همچنین نک به: جاماسپ جی، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۱۷۷).

۳-۲-۲-۳. آشوداد

آشوداد دادودهشی است که بیشتر صرف تأمین هزینهٔ جشن‌های مذهبی یا گه‌نبارها می‌شود؛ همچنین به برآورده کردن نیاز بینوایان و نیازمندان شرکت‌کننده در این مراسم اختصاص می‌یابد. در ریشه‌شناسی این واژه آمده است: «آشوداد مرکب از دو کلمهٔ "آشو" و "داد" است. "آشو" به معنای پیرواشه یا حق و حقیقت و درستی و راستی و "داد" برگرفته از فعل دادن به معنای بخشیدن است؛ بنابراین این کلمه به معنای چیزی است که به فردی مقدس یا دین دار داده می‌شود» (Kanga; 2011: 778؛ همچنین نک: اوشیدری، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۱۱۳؛ دوستخواه، ۱۳۸۶ ه.ش، ۱۱۹).

زرتشتیان معتقدند اهورامزدا جهان را در شش گه‌نبار یا گاه یا زمان معین آفریده است و به یمن این آفرینش، لازم است بهدینان در شش موسم از سال که به «چهره‌گه‌نبار» معروف است، جشن‌هایی برپا کنند و در آن به خیرات بپردازند و به نیازمندان کمک نمایند

(نیکنام، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۵۲ - ۵۶ و ۸۵ - ۸۶؛ همچنین نک به: اوشیدری، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۱۱۳؛ منتظری، ۱۴۰۲ ه.ش، ص ۵۰/۵۱، ۱۲۱).

۳-۲-۴. خیرات برای درگذشتگان

زرتشتیان برای مردگان خود احترام بسیاری قائل هستند. «مراسم رسمی درگذشتگان پس از تدفین، سوم، چهارم، دهه، سی روزه و سال است...» (مزدایور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۵۲). برای این مراسم خوراکی‌هایی تدارک دیده می‌شود و میان شرکت‌کنندگان و نیازمندان خیرات می‌گردد. افزون بر این «زرتشتیان برابر نوشته‌های اوستایی، باور دارند که ده روز مانده به آغاز فروردین ماه هر سال، فروهرهای درگذشتگان به زمین فرود خواهند آمد، مدت ده شبانه روز، میهمان فرزندان و نوادگان خود خواهند بود و در سپیده دم نخستین روز از ماه فروردین، به جایگاه مینوی خود بازخواهند گشت» (نیکنام، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۲۱)؛ بنابراین برای شادی و خشنودی آنها، از پیش خانه را تمیز می‌کند کُندر، چوب صندل و عود سوزانده، درون و میزد تهیه می‌کنند و آنها را به نیازمندان می‌بخشند (نیکنام، ۱۳۸۲ ه.ش، ص ۲۲).

۱. اینکه چون فروردین درآید، باید که هر کس درخور طاقت خویش، درون و میزد و میزد و آفرینگان فرماید و کند...» (منتظری، ۱۴۰۲ ه.ش، همچنین نک: ص ۳۷/۲۸).

همان‌گونه که گذشت، چهار قسم نیکی مادی نامانامی تواند به طور نقدی، جنسی یا در قالب مواد خوراکی پیشکش شود. خوراکی‌ها به طور درون، میزد یا زور تدارک دیده و خیرات می‌شوند. «میزد، نذرها و پیشکش‌های غیرمایع مانند نان و گوشت و میوه و جز آن است که به آیین‌های نیایش و ستایش می‌برند و در برابر "زور"، قرار دارد» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، پیوست: ۱۰۶۲-۱۰۶۱). مزدایور در یادداشت کتاب شایست ناشایست، میزد را فدیة و خوردنی جامد معرفی می‌کنند و با استناد به خرده‌اوستا، بیان می‌دارد که میزد به هرگونه سفره کشیدن که

همراه با نیایش و یزشن باشد نیز اطلاق می‌شود؛ همچنین با ارجاع به کتاب داراب هرمزدیار، گاهنبار را می‌زد دانسته است (مزداپور، ۱۳۹۰ ه.ش، یادداشت، ۳۸/۱۳: ۲۰۱). زَوَز در اوستا «زَوتر» و در پهلوی و فارسی «زَوهر» (Zohr) یا «زور»؛ نیازها و پیشکش‌های مایع، مانند شیر و نوشابه هوم و مانند آنهاست که به آیین نیایش می‌برند و در برابر می‌زد قرار می‌گیرد (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، پیوست: ۹۹۹). زوهر فدیة ای است برای آب و آتش و «همازور» شدن، به معنای بردن و پیشکش کردن زوهر در نیایش و ستایش آیینی به صورت کامل است (مزداپور، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۱۰۸).

این دو اصطلاح، در بخش‌هایی از اوستا به‌ویژه در یسنا دیده می‌شود (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، یسنا ۴/۳، ۲/۳۵، ۷/۴۱، ۳۴/۵۷؛ دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، ویسپرد: کرده ۲، کرده ۲/۱۱ و ۴؛ دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، خرده‌اوستا: آفرینگان گهنبار/ ۱۲-۶)؛ برای نمونه در هات ۱/۴ یسنا چنین می‌خوانیم: «این اندیشه‌های نیک و گفتارهای نیک و کردارهای نیک (زوت)، این هوم‌ها و میزدها و زورها و برسم، به آیین آشه گسترده و گوشت خوشی دهنده، خُرداد و اُمرداد و شیرخوشی دهنده و هوم پَراهوم و هیزم و بُخور، این بهره از زندگی (دیگر سرا) و آشونی و نماز رَد پسند زدان و گاهان و فرمان [ایزدی]، نیک به جای آورده [همه را] پیشکش می‌کنیم» (دوستخواه، ۱۳۸۹ ه.ش، یسنا، ۱/۱۶).

نتیجه

«آموزه نیکی» سنگ زیربنای الهیات زرتشتی است و طیف وسیعی از باورهای دینی بر اساس آن تبیین و فهم می‌شوند. خاستگاه این آموزه را باید در ثنویت اخلاقی دین مزدایی کهن و آیین مغان باستان جستجو کرد. بعدها در دوره ساسانی که این ثنویت اخلاقی ساحتی جهان‌شناسانه نیز پیدا کرد، این آموزه به گونه‌ای متمایز از دیگر ادیان جهان، فراتر از مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی و احکام عملی، ارتباط وثیقی با باورهای بنیادین

دینی - خداشناسی، پیامبرشناسی، ایزدشناسی، فرجام‌شناسی و معادشناسی - برقرار نمود و به اصل محوری و هویت بخش الهیات زرتشتی بدل شد.

خداشناسی: در هرم یزدانکده زرتشتی، پیش از همه، اهورامزدا سرور هستی بخش جهان، ذات و سرچشمه همه نیکی‌ها و نیک خواه آفریدگان لقب گرفته است و فرازهای کتاب مقدس، نشان می‌دهد نیکی از چنان گستره و شأنی برخوردار است که می‌توان آن را سرآمد نام‌های حقیقت مطلق در دین زرتشتی و هم سنگ و هم پایه اهورامزدا شمرد.

ایزدشناسی و فرشته‌باوری: امشاسپندان و ایزدان مباشران اهورامزدا در بسط و استقرار نیکی‌اند. در گروه ایزدان مینوی، ایزد راتا به ویژه پاسدار و حامی نیکوکاری و داد و دهش است و در جایگاه دستیار اهورامزدا در رساندن پاداش به دهشمندان و نیکوکرداران انجام وظیفه می‌کند.

پیامبرشناسی: با محور قرارگرفتن سه اصل شریف - هُومَت، هُوخَت و هُوزُشت - و دو مینوی هم‌زمان متضاد - اِسپَنْتَه مینو و اَنگَرَه مینو - در آموزه‌های زرتشت، می‌توان رسالت اصلی پیام‌آور این دین را رواج نیکی در همه زمینه‌ها، تربیت انسان‌های نیکوکار و ایجاد جامعه‌ای آرمانی دانست که در آن نیکان و درستکاران حکومت کنند.

فرجام‌شناسی: با ظهور آخرین منجی موعود - سوشیانت - در هزاره پایانی جهان، فرجام عالم و نوشدن جهان - فرشگرد، اساساً بر پایه صف‌آرایی و پیروزی اورمزد و سپاه او (قلمرو نیکی) در برابر اهریمن و لشکر او (قلمرو بدی)، در نبردی فرجامین تحقق پیدا خواهد کرد. معادشناسی: در جهان دیگر، میزان پابندی به سه اصل شریف، معیار تمیز و تفکیک آشنوان از دژوندان به شمار می‌آید. به‌دینان پس از عبور از چینود پل، به اندازه پابندی به این سه اصل، از مرتبه ستاره‌پایگی تا مرتبه خورشیدپایگی و در نهایت تا گرزمان ارتقامی یابند. گونه‌های نیکوکاری و رادی در آیین زرتشت، به دو بخش کلی معنوی و مادی تقسیم می‌شود نیکوکاری مادی به دو شکل مانا و نامانا، امکان عرضه دارد. نیکوکاری مادی مانا،

صورت بند مال، بهار داشت یا وقف را به خود گرفته است؛ اما نیکوکاری مادّی نامانای بیشتر در قالب چهار گونه نذرونیاز یا اُستوفُرید و درون نهادن، کمک به ارزانیان، اُشوداد و خیرات برای درگذشتگان انجام می‌پذیرد.

کتاب‌نامه

- ابن یوسف، برهان. (۱۳۵۷ ه.ش). نیکوکاری، دادودهش در ایران باستان. تهران: فروهر.
- امامی، سعید؛ و علی نظری تاویرانی. (۱۳۹۲ ه.ش). «تطبیق ردا در ادبیات یارسان با رتا (راتا) در آیین زرتشتی». مجله ادیان و عرفان. س ۴۶. ش ۱ ص ۱۹ - ۲۸.
- آموزگار، ژاله [مترجم]. (۱۳۸۶ ه.ش). ارداویراف‌نامه. چ ۳. تهران: معین.
- آموزگار، ژاله؛ و تفضلی، احمد [مترجم]. (۱۳۸۶ ه.ش). کتاب پنجم دینکرد. تهران: معین.
- امیدیانی، سیدحسین. (۱۳۷۴ ه.ش). «وقف و نیکوکاری در ایران باستان». مجله وقف میراث جاویدان. ش ۹، ص ۲۳۳ - ۲۶۱.
- _____ (۱۳۸۶ ه.ش). «نذرونیاز در دین زرتشت و ایران باستان». مجله وقف میراث جاویدان. ش ۵۲.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱ ه.ش). دانشنامه مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زرتشت. تهران: نشر مرکز.
- بهرامان، فرخ‌مرد. (۱۳۹۱ ه.ش). مادیان هزارادستان (هزار رأی حقوقی). مقدمه، ترجمه و آوانوشت پهلوی، یادداشت‌ها، واژه‌نامه، پژوهش: سعید عریان. چ ۱. تهران: علمی.
- بویس، مری. (۱۳۷۴ ه.ش). تاریخ کیش زرتشت. ترجمه: همایون صنعتی‌زاده. ج ۱. تهران: توس.
- پورداوود، ابراهیم [مترجم]. (۱۳۵۶ ه.ش). یسنا بخش اول. به کوشش بهرام فره‌وشی. چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۷۷ ه.ش). یادداشت‌های گات‌ها (بخش دوم). به کوشش بهرام فره‌وشی. تهران: ابن‌سینا.
- _____ (۱۳۸۰ ه.ش). فرهنگ ایران باستان. چ ۱. تهران: اساطیر.
- جاماسپ‌جی، آسانا [مترجم]. (۱۳۷۱ ه.ش). متون پهلوی. به کوشش سعید عریان. چ ۱. تهران: نشر کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- جنیدی، فریدون. (۱۳۸۴ ه.ش). حقوق جهان در ایران باستان. چ ۱. [بی جا]: نشر بلخ.
- خسرویانی، رستم. (۱۳۸۱ ه.ش). «نهاد بهارداشت یا وقف در فرهنگ زرتشتی». امرداد. س ۳. ش ۵. ص ۲۲-۷۹.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۸۹ ه.ش). اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان. چ ۱۵. تهران: مروارید.
- راشد محصل، محمدتقی. (۱۳۹۰ ه.ش). ورزیدگی های زادسپرم. چ ۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____. (۱۳۸۱ ه.ش). نجات بخشی در ادیان. چ ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شریفی، گلفام. (۱۳۹۱ ه.ش). «وقف - وقف نامه - زرتشتیان - آتشکده - قناتگستان - مراسم مذهبی». مجله وقف میراث جاویدان. س ۲۰، ش ۷۹ - ۸۰، ص ۱۰۹ - ۲۰۶.
- شهرزادی، رستم. (۱۳۶۵ ه.ش). قانون مدنی زرتشتیان پس از ساسانیان. چ ۱. تهران: فروهر.
- بار، کای و همکاران. (۱۳۸۶ ه.ش). دیانت زرتشتی. ترجمه: فریدون وهمن. چ ۱. تهران: جامی.
- کریستن سن، آرتور. (۱۳۴۵ ه.ش). مزدایرستی در ایران قدیم؛ ملاحظات دربارۀ قدیمی ترین عهدآیین زرتشتی و تحقیقات در باب کیش زرتشتی ایران باستان. ترجمه: ذبیح الله صفا. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران.
- مزدایور، کتایون. (۱۳۸۳ ه.ش). «تداوم آداب کهن در رسم های معاصر زرتشتیان در ایران». مجله فرهنگ. ش ۴۹ - ۵۰. ص ۱۴۷ - ۱۷۹.
- _____. (۱۳۸۳ ه.ش). «سور سخن». مجله فرهنگ. ش ۵۱ - ۵۲. ص ۱۰۳ - ۱۳۰.
- _____. (۱۳۹۰ ه.ش). شایست ناشایست. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مزدایور، کتایون و همکاران. (۱۳۹۴ ه.ش). ادیان و مذاهب در ایران باستان. چ ۱. تهران: سمت.
- منتظری، سیدسعیدرضا [مصحح]. (۱۴۰۲ ه.ش). صد در نثر و صد در بندهش. تهران: دانشگاه تهران.
- موله، ماریان. (۱۳۸۶ ه.ش). ایران باستان. ترجمه: ژاله آموزگار. چ ۶. تهران: توس.
- مهر، فرهنگ. (۱۳۷۴ ه.ش). دیدی نواز دینی کهن. چ ۷. تهران: جامی.
- میرفخرایی، مهشید [مترجم]. (۱۳۶۷ ه.ش). روایت پهلوی، متنی به زبان فارسی میانه (پهلوی ساسانی). چ ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فر
- میرفخرایی، مهشید. (۱۳۹۳ ه.ش). بررسی دینکرد ششم. چ ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نیکنام، کوروش. (۱۳۸۲ ه.ش). از نوروز تا نوروز - آیین‌ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران. تهران: فروهر.
_____. (۱۳۸۵ ه.ش). آیین اختیار، گفتاری پیرامون فرهنگ و فلسفه زرتشت. تهران: تیس.

Bartholomae, C. (1904) *Altiranisches Wörterbuch*. Karl J. Trübner

Boyce, M. (2011), "AHURA MAZDĀ," *Encyclopædia Iranica*, edit by Ehsan Yarshater, Vol. I/7, pp. 684-687.

Boyce, M. (2004), "HUMATA HŪXTA HUVARŠTA," *Encyclopædia Iranica*, edit by Ehsan Yarshater, Vol.12, pp. 561-562.

Hintze, A. (2012), "FRASO KERETI," *Encyclopædia Iranica*, edit by Ehsan Yarshater, Vol. 10/2, pp.190-192.

Kanga, M. F. (2011), "AŠŌ-DĀD," *Encyclopædia Iranica*, edit by Ehsan Yarshater, Vol.2, p. 778.

Kreyenbroek, Philhp G. (2012), EXEGESIS i. In *Zoroastrianism*," *Encyclopædia Iranica*, edit by Ehsan Yarshater, Vol. I/6, pp. 111-113.

References

Amoozgar, Jaleh, and Ahmad Tafazzoli. 2007. *The Fifth Book of the Dēnkard (Dēnkard-e Panjom)*. Tehran: Moein.

Amoozgar, Jaleh. 2007. *The Book of Arda Viraz (Ardā Vīrāz Nāmag)*. 3rd ed. Tehran: Moein.

Bahraman, Farrokh Mard. 2012. *The Book of a Thousand Judicial Decisions (Mādayān-ī Hazār Dādestān)*. Introduction, translation, Pahlavi transcription, notes, glossary, and research by Saeed Aryan. 1st ed. Tehran: Elmi.

Barr, Kaj and Mary Boyce. 2007. *Zoroastrian Religion*. Translated by Fereydoun Vahman. 1st ed. Tehran: Jami.

Bartholomae, C. 1904. *Altiranisches Wörterbuch*. Karl J. Trübner.

Boyce, Mary. 1995. *History of Zoroastrianism*. Translated by Homayoun Sanatizadeh. Vol. 1. Tehran: Toos.

Boyce, Mary. 2004. "HUMATA HŪXTA HUVARŠTA." In *Encyclopædia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, vol. 12, pp. 561-562.

- Boyce, Mary. 2011. "AHURA MAZDĀ." In *Encyclopædia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, vol. 1, no. 7, pp. 684–687.
- Christensen, Arthur. 1966. *Mazdaism in Ancient Iran: Reflections on the Oldest Periods of the Zoroastrian Faith and Research on Zoroastrianism in Ancient*. Translated by Zabihollah Safa. 2nd ed. Tehran: University of Tehran.
- Doostkhah, Jalil. 2010. *Avesta: The Oldest Hymns of the Iranians*. 15th ed. Tehran: Morvarid.
- Emami, Saeed, and Ali Nazari Tavirani. 2013. "A comparison of Rada in Yarsan literature with Rata (Rātā) in the Zoroastrian tradition." *Journal of religions and mysticism* 46, no. 1: 19–28.
- Hintze, Almut. 2012. "FRASO KERETI." In *Encyclopædia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, vol. 10, no. 2, pp. 190–192.
- Ibn Yūsuf, Burhān. 1978. *Charity and Almsgiving in Ancient Iran*. Tehran: Forouhar.
- Jamaspi, Asana. 1992. *Pahlavi Texts*. Edited by Saeed Aryan. 1st ed. Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran.
- Joneidi, Fereydoun. 2005. *The Laws of the World in Ancient Iran*. 1st ed. N.p.: Balkh Publishing.
- Kanga, M. F. 2011. "AŠŌ-DĀD." In *Encyclopædia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, vol. 2, p. 778.
- Khosroviani, Rostam. 2002. *The Institution of Bahar-Dasht or Endowment in Zoroastrian Culture*. Tehran: Amordad.
- Kreyenbroek, Philip G. 2012. "EXEGESIS i. In Zoroastrianism." In *Encyclopædia Iranica*, edited by Ehsan Yarshater, vol. 1, no. 6, pp. 111–113.
- Mazdapour, Katayoun (ed.). 2015. *Religions and Sects in Ancient Iran*. 1st ed. Tehran: SAMT.
- Mazdapour, Katayoun. 2004. "Sūr-i Sukhan." *Journal of Culture*, nos. 51–52: 103–130.
- Mazdapour, Katayoun. 2004. "The Continuity of ancient rituals in contemporary Zoroastrian practices in Iran." *Journal of Culture*, nos. 49–50: 147–179.
- Mazdapour, Katayoun. 2011. *Shāyist Nāshāyist*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Mehr, Farhang. 1995. *A New Perspective on an ancient faith*. 7th ed. Tehran: Jami.
- Mirfakhraei, Mahshid. 1988. *The Pahlavi narrative: a middle Persian text*. 1st ed. Tehran: Institute for Research and Studies.

- Mirfakhraei, Mahshid. 2014. *A Study of the Sixth Book of the Dēnkard*. 2nd ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Montazeri, Seyyed Saeed-Reza, ed. 2024. *Ṣad Dar Naṭr va Ṣad Dar Bundahišn*. Tehran: University of Tehran.
- Moulé, Marianne. 2007. *Ancient Iran*. Translated by Jaleh Amoozgar. 6th ed. Tehran: Toos.
- Niknam, Kourosh. 2003. *From Nowruz to Nowruz: traditional rituals and ceremonies of Zoroastrians in Iran*. Tehran: Forouhar.
- Niknam, Kourosh. 2006. *The doctrine of free will: a discourse on Zoroastrian culture and philosophy*. Tehran: Tis.
- Omidiani, Seyyed Hossein. 1995. "Endowment and charity in ancient Iran." *Journal of endowment and eternal heritage*, no. 9: 233–261.
- Omidiani, Seyyed Hossein. 2007. "Vows and offerings in Zoroastrianism and ancient Iran." *Journal of endowment and eternal heritage*, no. 52.
- Oshidari, Jahangir. 1992. *Encyclopedia of Mazdayasna: an explanatory glossary of the Zoroastrian faith*. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Pourdavoud, Ebrahim, trans. 1977. *Yasna, Part One*. Edited by Bahram Farahvashi. 3rd ed. Tehran: University of Tehran.
- Pourdavoud, Ebrahim, trans. 1998. *Notes on the Gāthās, Part Two*. Edited by Bahram Farahvashi. Tehran: Ibn Sina.
- Pourdavoud, Ebrahim. 2001. *The Culture of ancient Iran*. 1st ed. Tehran: Asatir.
- Rashed Mohasel, Mohammad-Taqi. 2002. *Salvation in religions*. 2nd ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Rashed Mohasel, Mohammad-Taqi. 2011. *The Teachings of Zadspram*. 3rd ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Shahrzadi, Rostam. 1986. *The civil law of Zoroastrians after the Sasanians*. 1st ed. Tehran: Forouhar.
- Sharifi, Golfam. 2012. "Endowment - endowment deeds - Zoroastrians - fire temples - Qanatghestan - religious ceremonies." *Journal of endowment and eternal heritage* 20, nos. 79–80: 109–206.